

**Imam Ali (AS)'s Political Role in the Eras of Prophet
Mohammad (SAWA) and the First Three Caliphs;
Retrieving al-Ya'qubi's Sources and Verifying the Hadiths
Transmitted by Him**

Somayeh Amin roaya jازه *, Hadi Alem zاده **

Younes Farahmand ***, Masoomali Panjeh ****

Abstract

History of al-Ya'qubi by Ahmad ibn Abi Ya'qubi (d. 897 AD) is a general history that is composed with the combined method, which means that through eliminating the chain of transmission of hadiths and combining the content of hadiths on an event, it has provided a unified coherent account of the event. Al-Yaqubi's elimination of the chain of transmission, disagreement of some accounts in his book with other hadiths from its other known contemporary sources (Waqidi's *al-Maghazi*, Waqidi's *al-Ridda*, ibn Hisham's *al-Sira al-Nabawiyya*, ibn Sa'd's *al-Tabaqat al-Kubra*, ibn Qutayba's *al-Imama-wa-l-Siyasa*, etc.), and, particularly, presentation by him of rare and Shiite-like accounts make it necessary to retrieve

* PhD candidate Department of History & amp. Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, somayehaminroaya@gmail.com

** professor Department of History & amp. Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author), hd.alemzadeh@gmail.com

*** Associate Department of History & amp. Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, noorfarahmand@yahoo.com

**** Assistant professor Department of History & amp. Civilization of Islamic Nations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, panjeh1979@gmail.com

Date received: 2021/11/25, Date of acceptance: 2022/05/25



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and verify the hadiths transmitted by him. The research questions are as follows: What are al-Ya'qubi's sources? Do they have sufficient validity and reliability? And, finally, what was his criterion for choosing the hadiths? According to the research findings, although the hadiths transmitted by al-Ya'qubi on Imam Ali (AS)'s deputization in Medina during the Expedition of Tabuk, assignment of Imam Ali (AS) to collecting zakat and *jizya* from the Christian community of Najran, the Farewell Haj and Event of Ghadir, Imam Ali's declining to pledge allegiance to Abu Bakr (except for one hadith), Umar's negotiations with Imam Ali (AS) over determining the beginning of the Islamic calendar as well as over financial affairs, selection of the third caliph (except for two hadiths), and Uthman's negotiations with Imam Ali (AS) over jurisprudential matters are in agreement with other sources and reliable, in some places, under the influence of Shiite trends or for some other obscure reasons, al-Ya'qubi's work has presented different and rare accounts whose source is not clear.

Keywords: al-Ya'qubi's historiography, *History of al-Ya'qubi*, Imam Ali (AS), Shiite historiography, verification of hadiths.

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر (ص) و خلفای نخستین:

بازیابی منابع و اعتبار سنجی روایات یعقوبی

سمیه امین رعیا جزه*

هادی عالم زاده**، یونس فرهمند***، معصومعلی پنجه****

چکیده

تاریخ یعقوبی اثر احمد بن ابی یعقوب (د. ۲۸۴هـ) از جمله تواریخ عمومی است که به روش ترکیبی تألیف شده، بدین معنی که با حذف زنجیره اسناد و تلفیق محتوای چند روایت از یک رویداد گزارشی واحد و منسجم از آن عرضه کرده است. حذف زنجیره اسناد، نا هم‌خوانی برخی از گزارش‌ها با روایات دیگر منابع شناخته شده هم‌عصر (المغازی و اقدی، الرده و اقدی، السیره النبویه ابن هشام، الطبقات الکبری ابن سعد، الامامه و السیاسه ابن قتیبه و...) و به ویژه ارائه گزارش‌های نادر و تشیع وار یعقوبی بازیابی منابع و اعتبار سنجی روایات او را ضرور می‌سازد. پرسش‌های این پژوهش اینهاست: منابع یعقوبی کدام

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
somayehaminroaya@gmail.com

** استاد گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)، hd.alemzadeh@gmail.com

*** دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
noorfarahmand@yahoo.com

**** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،
panjeh1979@gmail.com، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

است؟ آیا این منابع اعتبار و وثاقت کافی دارند؟ و سرانجام این‌که معیار یعقوبی برای گزینش روایات چه بوده است؟ بنابر یافته‌های پژوهش اگرچه روایات یعقوبی در باب جانشینی امام علی (ع) در مدینه در غزوه تبوک، تصدی امام علی (ع) در جمع آوری زکات و جزیه از نجرانی‌ها، حجه الوداع و واقعه غدیر، استنکاف از بیعت با ابوبکر (جز یک روایت)، رایزنی عمر با امام علی (ع) در تعیین مبدأ تاریخ، رایزنی عمر با امام علی (ع) در امور مالی، انتخاب خلیفه سوم (جز دو روایت) و مشاوره عثمان با امام علی (ع) در مسائل فقهی هم‌سو با سایر منابع و معتبر است؛ اما در جاهایی متأثر از گرایش‌های شیعی یا دلایل ناشناخته دیگر گزارش‌هایی متفاوت و کمیاب ارائه کرده که منبع آن‌ها مشخص نیست.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری یعقوبی، تاریخ یعقوبی، علی (ع)، تاریخ‌نگاری شیعی، اعتبار سنجی روایات.

۱. مقدمه

احمد بن ابی یعقوب اسحاق بن جعفر بن واضح یعقوبی (د. ۲۸۴هـ)^۱ معروف به «کاتب عباسی» (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۸/۱) مورخ، جغرافی‌دان (زرکلی، ۱۹۸۹: ۹۵/۱) و شاعر بوده است (ثعالبی، ۱۴۱۳: ۳۴۹/۳). وی در عصر دوم عباسی موفق شد تاریخ جهان را از آغاز تا سال ۲۵۹هـ و اوایل خلافت معتمد عباسی (حک ۲۵۶-۲۷۹هـ) به رشته تحریر در آورد؛ تاریخ او مشتمل بر دو «کتاب» است: «کتاب اول» به تاریخ قبل از اسلام و «کتاب دوم» به تاریخ اسلام (از تولد پیامبر (ص) تا اوایل خلافت معتمد عباسی) اختصاص دارد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۵/۲-۶). یعقوبی برخلاف مورخانی چون طبری (د. ۳۱۰هـ) که گزارش‌های تاریخی را به روش روایی و با سلسله اسناد و به صورت مُعَنَّع^۲ گاه در چند تن روایت نقل می‌کنند، با مقایسه و ترکیب و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون، واقعه تاریخی را طی یک روایت منسجم گزارش می‌کند (برای اطلاع از روش یعقوبی در تاریخ‌نگاری به عنوان نمونه نک: سجادی، عالم زاده، ۱۳۸۰: ۴۳-۴۴).

با آن‌که یعقوبی را مورخی شیعی یا دست کم با گرایش‌های شیعی در تاریخ‌نگاری می‌دانند، اما متعرض هیچ یک از کراماتی که برخی از شیعیان در باب امام علی (ع) بدان باور دارند، نظیر سخن گفتن در شکم مادر، شکافته شدن دیوار کعبه و زاده شدن در داخل آن نشده است؛ روایات او از زمان اسلام آوردن علی (ع) آغاز می‌شود و در دو دسته فضایل و روایات نظامی و سیاسی جای می‌گیرند و بیشتر آن‌ها به فضایل او (اسلام امام علی (ع))،

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزء و دیگران) ۳۲۵

کاتب صلح حُدیبیه، اعطای رایت در غزوه خیبر، مأمور ابلاغ آیات سوره براءت و ...
اختصاص دارد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۲۳/۲-۲۴، ۵۴، ۵۶، ۷۶).

۱.۱ مسأله پژوهش

مسأله اصلی این پژوهش شناسایی منابع ناشناخته و اعتبار سنجی روایات یعقوبی در خصوص نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر (ص) و خلفای نخستین است. از آنجا که یعقوبی منابع و اسناد حوادث تاریخی را جز به ندرت ذکر نمی‌کند، شناسایی کامل این منابع و اسناد بسیار دشوار است؛ از این روی این پژوهش بر آن است تا بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و روش تاریخی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تطابق روایات تاریخی تاریخ یعقوبی در خصوص نقش سیاسی امام علی (ع) با کتب تاریخی، حدیثی و تفسیری شیعی و سنی-دریابد منابع یعقوبی کدام است؟ آیا این منابع اعتبار و وثاقت کافی دارند؟ و سرانجام این که معیار یعقوبی برای گزینش روایات چه بوده است؟ در این پژوهش، روایات تاریخی بر حسب توالی تاریخی و نه بر اساس نظم کتاب-بررسی شده‌اند.

۲.۱ پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش درباره یعقوبی و روش او در تاریخ‌نگاری آثاری در دست است: یاسین ابراهیم علی الجعفری در *الیعقوبی، المؤرخ والجغرافی* (۱۹۸۰)؛ حسین عاصی در *الیعقوبی، عصره، سیره حیاتیه، منهجه تاریخی* (۱۹۹۲)؛ هربرت برگ (Herbert-Berge) در روش و نظریه مطالعه خاستگاه‌های اسلامی (۱۹۸۶)؛ آر. استیفن هامفریز (R. Stephen Humphreys) در مقاله‌ای تحت عنوان «تاریخ» (۱۹۸۶) و محمد قاسم زمان در مقاله «الیعقوبی» (۱۹۸۶) به طور موجز و بی‌هیچ تحلیلی به رویکرد یعقوبی به تاریخ و گرایش مذهبی-سیاسی وی و تأثیر آن در تاریخ‌نگاری او توجه نموده‌اند. همچنین طیب الحبری در *مَثَل و سیاست در تاریخ صدر اسلام: خلفای راشدین* (۲۰۱۰) با بررسی گزارش‌ها درباره خلفای راشدین در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی، منابع روایی نخستین را فاقد اطلاعات تاریخی واقعی در دوره نخستین اسلامی معرفی کرده است؛ افزون بر این مقالاتی مانند «ماهیت رفتار سران جمل در ماجرای سقوط بصره» (۱۳۹۴) از وجیه میری، علی ناظمیان فرد، هادی وکیلی؛ «واکنش امام علی (ع) به منطق قبیله‌ای سقیفه» (۱۳۹۶) از علی ناظمیان

فرد و «موقعیت اجتماعی اهل ذمه در حکومت علی ع (۳۵-۴۰ هـ)» (۱۴۰۰) از حسین علی بیگی، روح الله بهرامی، شهرام یوسفی در دو فصلنامه پژوهش‌نامه علوی به چاپ رسیده که به گزارش‌های یعقوبی استناد کرده و به ارزیابی روایات وی نپرداخته‌اند. در باب منابع یعقوبی نیز دو پژوهش از شیخ احمد خلیفی با عنوان «الیعقوبیُّ العصرُ الامویُّ فی کتابهِ تاریخِ الیعقوبی» (۲۰۰۱) و از علی بیات و زهره دهقانپور مقاله‌ای با عنوان «بررسی تاریخ‌نگاری یعقوبی به لحاظ منابع» (۱۳۹۰) در دست است. پژوهشگران در این دو مقاله به صورت کلی به انواع منابع یعقوبی «اعم از منابع مکتوب، شفاهی (شنیده‌ها و مشاهدات) و نامشخص» (ص ۱۰) پرداخته‌اند و هیچ یک از روایات یعقوبی در دوره‌ای خاص را بررسی و تحلیل نکرده‌اند.

۲. منابع یعقوبی

یعقوبی در آغاز «کتاب دوم» کسانی را که از آنان روایت کرده، معرفی می‌کند و می‌افزاید جز آنان که نام برده، از دیگران هم روایت می‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۶/۲). منابع وی اعم از کوفی و مدنی در عداد محدثان، اخباریان، مورخان و نسب‌شناسان به شمار می‌آیند که برخی از آنان گرایش‌های شیعی و عباسی داشته‌اند. منابع او عبارت‌اند از: ۱. اسحاق بن سلیمان بن علی هاشمی عباسی (د. بعد از ۱۸۷ هـ)؛ ۲. ابوالبختری وهب بن وهب قرشی مدنی (د. حدود ۲۰۰ هـ)؛ ۳. ابان بن عثمان احمر بجلی شیعی کوفی (د. حدود ۱۷۰ هـ)؛ ۴. محمد بن عمر واقدی مدنی (د. ۲۰۷ هـ)؛ ۵. عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری بصری، ساکن بغداد (د. بین ۲۱۳-۲۱۸ هـ)؛ ۶. ابوحنسان حسن بن عثمان زیادی بغدادی (د. ۲۴۲ یا ۲۴۳ هـ)؛ ۷. ابوولید عیسی بن یزید بن ذاب مدنی، ساکن بغداد (د. ۱۷۱ هـ)؛ ۸. هیثم بن عدی بن عبدالرحمان طائی کوفی (د. ۲۰۷ یا ۲۰۹ هـ)؛ ۹. ابواسحاق محمد بن کثیر قرشی شیعی کوفی، ساکن بغداد (د. ؟)؛ ۱۰. ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف مدائنی بصری، ساکن بغداد (د. ۲۲۵ هـ) و ابو معشر نجیح بن عبدالرحمان سندی مدنی (د. ۱۷۰ هـ).^۴

با توجه به فاصله زمانی تاریخ درگذشت یعقوبی و منابعی چون ابان بن عثمان، ابو معشر نجیح، عیسی بن یزید بن ذاب، اسحاق بن سلیمان هاشمی، ابوالبختری، محمد بن عمر واقدی، هیثم بن عدی و عبدالملک بن هشام مشخص می‌شود که این هشت تن بین ۶۶

تا ۱۱۴ سال پیش از یعقوبی در گذشته‌اند؛ از این روی توان دریافت که یعقوبی روایات خود را بی واسطه از آن‌ها اخذ نکرده، بلکه از راویان آنان و یا از کتاب‌هایشان گرفته است. از آن‌جا که ابوحنسّان حداکثر ۴۲ سال پیش از یعقوبی در گذشته، احتمال می‌رود از مشایخ بلاواسطه او باشد؛ اما در مورد مدائنی که ۵۹ سال پیش از یعقوبی فوت شده این احتمال ضعیف به نظر می‌رسد؛ زیرا با اطمینان نمی‌توان گفت یعقوبی از محضر او سماع کرده یا نه. محمد بن کنیر قرشی تنها منبعی است که تاریخ درگذشت او مشخص نیست، از این روی نمی‌توان گفت از مشایخ بلاواسطه یا با واسطه یعقوبی بوده است.

در خور ذکر است اگرچه یعقوبی جز در مواردی اندک ضمن نقل روایات، مثلاً «تأکید بر شایستگی علی (ع) در انتخاب خلیفه سوم» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۵۸/۲-۱۵۹) به هیچ یک از منابع روایی خود اشاره نمی‌کند؛ اما می‌توان گزارش‌های مربوط به تاریخ ولادت، بعثت، ورود به مدینه، رحلت پیامبر (ص) و تاریخ شروع خلافت خلفای راشدین (جز ابوبکر) را به دلیل مشخص بودن منبع آن‌ها از بقیه گزارش‌ها مستثنی کرد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۸/۲، ۲۲، ۴۱، ۱۱۳-۱۱۴، ۱۳۹، ۱۶۲، ۱۷۸)؛ زیرا یعقوبی در تعیین طالع سال‌ها و زمان‌ها و تبدیل ماه قمری به شمسی _ نه در نقل گزارش‌های تاریخی _ از منابع کتبی محمد بن موسی خوارزمی (د. بعد از ۲۳۳ هـ)، ریاضی دان، منجم و مورخ زمان مأمون عباسی (ندیم، بی‌تا: ۳۸۳؛ کراچکوفسکی، ۱۳۷۹: ۷۶-۷۷) و ماشاءالله بن آثری (د. حدود ۲۰۰ هـ)، حکیم و منجم یهودی زمان منصور تا مأمون عباسی (ندیم، بی‌تا: ۳۸۲؛ کخاله، ۱۳۷۶: ۱۶۷/۸) استفاده کرده است.

۳. نقش سیاسی امام علی (ع)

بررسی‌ها نشان می‌دهد که یعقوبی موضوعات مربوط به نقش سیاسی علی (ع) در عصر پیامبر (ص) و خلفای نخستین را در ۱۱ موضوع و در قالب ۲۰ روایت گزارش کرده که تنها در یک روایت به منبع خود اشاره کرده است. برای بازیابی منابع این روایات و اعتبار سنجی آن‌ها ده اثر تاریخی: *المغازی* واقدی، *الرّدّه* واقدی، *السیره النبویه* ابن هشام، *الطبقات الکبری* ابن سعد، *الامامه والسیاسه* ابن قتیبه، *أنساب الاشراف* بلاذری، *فتوح البلدان* بلاذری، *تاریخ الطبری*، *الفتوح* ابن اعثم و *السقیفه و القدک* جوهری اساس قرار گرفته است. از آن‌جا که برخی از این ده منبع همه روایات مذکور در *تاریخ یعقوبی* را نیاورده‌اند، در ارزیابی آن

روایات فقط از منابعی استفاده شده که درباره هر روایت گزارشی را آورده‌اند. در این پژوهش پس از یادکرد اجمالی یکایک موضوعات ۱۱ گانه فوق نخست منبع روایت مربوط به هر یک از موضوعات را شناسایی و پس از بررسی و مقایسه آن، دلایل و معیارهای گزینش روایت از سوی یعقوبی بیان می‌شود.

۱.۳ جانشینی امام علی (ع) در مدینه در غزوه تبوک

در روایات تاریخ یعقوبی بی اشاره به حدیث منزلت^۵ دو بار تصریح شده که پیامبر در غزوه تبوک علی (ع) را جانشین خود در مدینه قرار داد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۷۵، ۶۷/۲).

در منابع اساس این پژوهش درباره جانشینی علی (ع) در مدینه یا فقط سرپرستی خانواده پیامبر اختلاف وجود دارد. ابن هشام (بی تا: ۵۲/۲) به نقل از محمد بن اسحاق و با واسطه از سعد بن ابی وقاص، و طبری (۱۳۸۷: ۱۰۳/۳-۱۰۴) به نقل از محمد بن اسحاق گفته‌اند: که پیامبر، علی (ع) را جانشین خود در میان خانواده‌اش قرار داد. ابن سعد نیز چند روایت در این موضوع نقل کرده که در برخی از آن‌ها به طور ضمنی و یا به وضوح می‌گوید: پیامبر علی (ع) را جانشین خود در میان خانواده‌اش قرار داد: (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۲۵/۲، ۱۷/۳) و در برخی دیگر به نقل از فضل بن ذکین و با واسطه از عبدالله بن رقیم و به نقل از روح بن عباده و با واسطه از براء بن عازب ضمن بیان حدیث منزلت، سخن از جانشینی علی (ع) در مدینه است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۷/۳). اما واقدی، استاد ابن سعد، در گزارش غزوه تبوک از این جانشینی سخن نگفته است (واقدی، ۱۴۰۹: ۹۹۵/۳). بر پایه این گزارش‌ها روایت یعقوبی با روایت ابن سعد به نقل از فضل بن ذکین^۶ و روح بن عباده^۷ هم‌سو است.

از آن‌جا که یعقوبی در هواداری از شیعه و در جهت اثبات خلافت علی (ع) به موضوع جانشینی وی در مدینه تأکید دارد، از این رو مایه شگفتی است که چرا حدیث منزلت با دلالتی که به جایگاه هارون نسبت به موسی (ع) و خاصه به عنوان جانشینی موسی (ع) در میان قومش و نه خانواده‌اش دارد _ و ظاهراً منظور پیامبر نیز جانشینی علی (ع) بوده _ حذف شده یا مغفول مانده است؟ مهم تر آن‌که برداشت معنایی و هدف سیاسی شیعیان از این حدیث در جهت اثبات خلافت علی (ع) بعد از پیامبر بوده است (مرتضی عاملی، ۱۴۲۶: ۲۶۹/۲۹-۲۷۰).

به نظر می‌رسد یعقوبی در صدد بوده تا گرایش مذهبی خود را تا حدی پوشیده دارد و خود را گزارش‌گری بی طرف نشان دهد؛ چندان که در ماجرای اعطای رایت در غزوه خیبر نیز از ناکامی شیخین در گشودن قلعه قَمُوص (از قِلاع خیبر) و در موضوع بیعت با علی (ع) ضمن بیان حمایت عایشه از طلحه و مخالفت وی در قبال انتخاب علی (ع)، از خونخواهی عایشه سخن نگفته (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۵۶/۲، ۱۸۰) تا مبادا از سوی مخالفین‌اش به هواداری متهم شود.

در خور ذکر است که ابن عبدالبرّ این حدیث را از معتبرترین و صحیح‌ترین احادیث دانسته که توسط گروهی از صحابه پیامبر مانند سعد بن ابی وقّاص، ابوسعید خُدَری، امّ سلّمه، اسماء بنت عُمَیس و جابر نقل شده است (ابن عبدالبرّ، ۱۴۱۲: ۱۰۹۷/۳).

۲.۳ امام علی (ع) متصدّی جمع آوری زکات و جزیه از نجرانی‌ها

یعقوبی ضمن نقل اخبار فرماندهان دسته‌ها و لشکرها بی ذکر تاریخ این رویداد علی (ع) را سرپرست جمع‌آوری زکات و جزیه از نجرانی‌ها دانسته است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۷۶/۲). در منابع اساس این پژوهش، روایتی در این باب جز از طبری (۱۳۸۷: ۱۴۸/۳) در دست نیست. او ضمن بیان حوادث سال دهم هجری از امام باقر (ع) روایت کرده است که پیامبر برای همه بلاد اسلامی عاملانی را برای دریافت زکات تعیین کرد و هشت نفر را نام برد که یکی از آن‌ها علی (ع) بود. یعقوبی تنها به نقل روایتی از امام باقر (ع) بسنده کرده و احتمالاً به منظور بارز شدن نقش علی (ع) در عصر پیامبر، از دیگر عاملان نامی برده نشده است.

۳.۳ حجّه الوداع و واقعه غدیر

در تاریخ یعقوبی چهار صفحه به ماجرای حجّه الوداع و واقعه غدیر اختصاص یافته است. وی روایتی درباره غذا خوردن علی (ع) با پیامبر در مراسم حج آورده است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۹۰/۲) و دو بار نیز به شأن نزول آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»^۸ که به عقیده شیعه و بسیاری از منابع سنی درباره واقعه غدیر نازل شده، تصریح کرده: در یک روایت ضمن نقل اخبار آیاتی که در مدینه نازل شده، این آیه را آخرین آیه از قرآن دانسته که در روز غدیر و نصب علی (ع) نازل شده (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۴۳/۲) و در روایتی دیگر نیز ضمن نقل اخبار حجّه الوداع از آن یاد کرده (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۲) و در ادامه همین روایت ماجرای غدیر

را آورده است که پیامبر پس از خروج از مکه در هجدهم ذی‌الحجه در جایی نزدیک جُحفه که به آن غدیرخم می‌گفتند توقف کرد و پس از خواندن خطبه دست علی (ع) را بالا برد و گفت: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟» گفتند: آری، ای پیامبر خدا گفت: «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَآلَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ» (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۱۲/۲).

در منابع اساس این پژوهش، جز دو روایت در دست نیست: یکی از ابن‌سعد (۱۴۱۰: ۱۳۵/۲) به نقل از محمد بن بکر بُرسانی^۹ و با واسطه از جابر که مؤید روایت غذا خوردن علی (ع) با پیامبر در حجه‌الوداع است و دیگری از بلاذری (۱۹۷۴: ۱۵۶/۲) به نقل از عباس بن هشام کلبی و با واسطه از غیاث بن ابراهیم که گفته: علی (ع) در مسجد کوفه از حاضرانی که شاهد صدور حدیث غدیر از سوی رسول خدا بوده‌اند خواست تا از جای برخاسته و بدان شهادت دهند؛ انس بن مالک، براء بن عازب و جریر بن عبدالله به آن شهادت دادند.

بنا بر بررسی‌ها منابع حدیثی و تفسیری شیعی نزول آیه ۳ سوره مائده را _ در روز غدیر و به معنای اثبات حق جانشینی علی (ع) _ به نقل از یکی از صحابه: عبدالله بن عباس و ابوسعید خُدَری و به نقل از امام باقر (ع)، امام صادق (ع) و سُلَیْم بن قَیس هِلالی شیعی کوفی روایت کرده‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ۱۶۲/۱؛ عیاشی؛ ۱۳۸۰: ۲۹۳/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۸۰/۱۵؛ صدوق، ۱۳۹۵: ۲۷۷/۱؛ صدوق، بی‌تا: ۴۳۷/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۱۸/۱؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۴۳۹/۱). افزون بر این، حدیث غدیر در منابع حدیثی شیعی و سنی به نقل از گروهی از صحابه مانند سعد بن ابی وقاص، براء بن عازب، ابوسعید خُدَری، جابر و انس بن مالک روایت شده (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۸۴/۱؛ صدوق، بی‌تا: ۱۸۴/۱؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۴۷/۱؛ واحدی نیسابوری، ۱۴۱۱: ۱۱۸/۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۶/۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۴: ۴۰۰/۱)؛ اما در منابع حدیثی شیعی، افزون بر ذکر نام این صحابه، از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) نیز نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷/۲، ۶۰۱/۷، ۸۰/۱۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۶/۳۷).

نقل حدیث غدیر از سوی یعقوبی به منزله تشیع وی تلقی شده، حتی طبری را هم به دلیل صحیح دانستن حدیث غدیر به تشیع متهم کرده‌اند (ابن حجر، ۱۳۹۰: ۱۰۰/۵). به روایت ابن منظور (۱۴۰۲: ۲۰۴/۱۱) به نقل از رفاعه بن ایاس ضَبّی و با واسطه از جدش، علی (ع) در جنگ جمل در برابر طلحه به حدیث غدیر استناد کرد. افزون بر این، علامه امینی به تصریح منابع شیعی و سنی گفته: علی (ع) در آغاز ورود به کوفه، مردم کوفه و

صحابه پیامبر را به مسجد فرا خواند و از کسانی که ناظر صدور حدیث غدیر از سوی پیامبر بوده‌اند خواست تا بدان شهادت دهند. عده زیادی (بین ۱۲-۳۰ تن) خاصه ۱۲ تن از بدریون به آن شهادت دادند (علامه امینی، بی تا: ۱۶۶/۱ به بعد). در خور ذکر است که جعفریان با اتکا به روایات بلاذری، ابن منظور و علامه امینی بر آن است که «استناد به این حدیث در میان مردم جز بدین معنا نبود که علی (ع) از «حق الهی» خود در باب «ولایت» سخن می گفت و بدان استناد می کرد» (جعفریان، ۱۳۹۰: ۳۸).

۴.۳ استنکاف از بیعت با ابوبکر

در باره موضع علی (ع) در قبال انتخاب ابوبکر سه روایت در تاریخ یعقوبی آمده است. در روایت نخست، متخلفان از بیعت با ابوبکر علاوه بر علی (ع)، عباس بن عبدالمطلب، زبیر بن عوام، خالد بن سعید بن عاص، مقداد بن عمرو، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، ابی بن کعب و ابوسفیان بن حرب معرفی شده‌اند. به روایت وی ابوبکر و طرفدارانش در صدد برآمدند تا با دادن رشوه به عباس او را با خود همراه سازند، ولی عباس پیشنهاد آنان را نپذیرفت (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۲۴/۲). در روایت دوم آمده: چون ابوبکر و عمر مطلع شدند که گروهی از مهاجرین و انصار با علی (ع) در خانه حضرت زهرا (س) جمع شده‌اند، به خانه وی هجوم بردند تا از آن‌ها بیعت بگیرند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۲۶/۲) و در ادامه همین روایت گزارشی از بیعت علی (ع) پس از شش ماه و به قولی چهل روزه آمده است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۲۶/۲).

امتناع علی (ع) از بیعت با ابوبکر موجب اظهارات مختلفی از سوی مورخان شده است. ابن سعد دلیل تأخیر امام را گردآوری قرآن دانسته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۵۷/۲-۲۵۸)، ولی در سایر منابع، بی ذکر دلیل امتناع، به عدم بیعت او تا رحلت حضرت زهرا (س) تصریح شده است (ابن قتیبه، ۱۴۱۰: ۲۸۱-۲۹؛ بلاذری، ۱۹۷۴: ۵۸۳/۱، ۵۸۶؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۳-۲۰۷؛ ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۶/۱-۷).

بنا بر بررسی‌ها به نظر می‌رسد یعقوبی با گرایش شیعی روایت اول را به طرفداری از علی (ع) بر ساخته است؛ زیرا فهرستی که او از این افراد به دست داده، در دیگر منابع یافت نمی‌شود. به روایت ابن سعد (۱۴۱۰: ۱۳۵/۳، ۷۳/۴)، متخلفان از بیعت با ابوبکر تنها دو تن دانسته شده‌اند: خالد بن سعید بن عاص و سعد بن عباد خزرجی. به نظر می‌رسد روایت

جوهری (بی‌تا: ۵۰/۱) به نقل از عمر بن شَبَّه^{۱۱} و با واسطه از مسلم بن عبدالرحمان مؤید روایت دوم باشد و روایت بلاذری (۱۹۷۴: ۵۸۶/۱) به نقل از مدائنی^{۱۲} و با واسطه از عایشه هم روایت سوم را تأیید می‌کند. چنان‌که مذکور افتاد یعقوبی احتمالاً به دلیل گرایش شیعی و به منظور تأیید استحقاق علی (ع) برای خلافت به استنکاف وی از بیعت با ابوبکر به روایات فوق استناد کرده باشد و مرتضی عاملی (۱۴۲۶: ۳۰۴/۳۳) نیز روایت اول را با استناد به یعقوبی پذیرفته و بنا بر علائق شیعی و بی بررسی روایات سایر منابع، مرتکب خطا شده است.

۵.۳ امام علی (ع) و جریان رَدّه

طَلِّحَه بن خُوَیَلد اسدی با طوایفی از قبیله غَطَفان و بنی فزاره به رهبری عُیَیْنَه بن حِصْن فزاری ادعای نبوت کرد. ابوبکر برای مواجهه با او عازم ذی القَصَّه شد و از عمرو بن عاص درباره همراهی علی (ع) پرسید. او پاسخ داد: از تو اطاعت نمی‌کند (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۲۹/۲).

گزارش یعقوبی از نافرمانی علی (ع) در ماجرای رَدّه خلاف روایات دیگر منابع است. به گزارش ابن اثیر (۱۳۸۵: ۳۴۴/۲) به نقل از راوی ناشناسی، ابوبکر برای محافظت از دروازه های مدینه و مقابله با طَلِّحَه (از پیامبران دروغین در نجد)، علی (ع)، طلحه، زبیر و ابن مسعود را برگزید. ابن کثیر (۱۴۰۷: ۳۱۵/۶) نیز به روایت از دارقطنی و از او به نقل از مالک بن انس و با واسطه از عایشه و نیز به روایت از زکریا بن یحیی بصری ساجی و از او به نقل از ابوالزناد (عبدالله بن ذکوان) و با واسطه از عایشه، به مشاوره نظامی با علی (ع) و تأثیر آن در تصمیم‌گیری ابوبکر اشاره کرده است؛ اگرچه واردی (۱۴۱۰: ۴۸-۵۳)، طبری (۱۳۸۷: ۲۵۳/۳-۲۶۱) و ابن اعثم (۱۴۱۱: ۱۴/۱-۱۵) در ماجرای رَدّه اشاره ای به این موضوع نکرده‌اند.

بر پایه گزارش‌های منابعی که پس از یعقوبی نگاشته شده و با توجه به وثاقت مالک بن انس و ابوالزناد (عجلی کوفی، ۱۴۰۵: ۲۹۲/۱، ۴۱۷؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۲۰۴/۵)، به نظر می‌رسد این روایت ساختگی بوده و یعقوبی با گرایش شیعی و به منظور نشان دادن مخالف علی (ع) در قبال ابوبکر قصد گزارش این روایت ضعیف را داشته است.

۶.۳ رایزنی ابوبکر با امام علی (ع)

چون ابوبکر تصمیم گرفت به شام لشکرکشی کند، با گروهی از صحابه از جمله علی (ع) رایزنی کرد. علی (ع) نوید پیروزی به ابوبکر داد^{۱۳} و وی بدان خوشنود شد^{۱۴} (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۳۳/۲).

در منابع اساس این پژوهش، جز دو روایت در دست نیست: یکی از ابن اعثم (۱۴۱۱: ۸۰/۱-۸۱) به نقل از راوی ناشناسی که کمابیش مطابق با روایت یعقوبی است و متقی هندی (د. ۹۷۵ هـ) در *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال* نیز روایتی همانند روایت ابن اعثم به نقل از اسحاق بن بشر آورده است (متقی هندی، ۱۴۰۱: ۶۷۰/۵).

منابع رجالی و کتب تراجم از دو تن موسوم به اسحاق بن بشر یاد کرده‌اند؛ ابوخذیفه اسحاق بن بشر بن محمد بن عبدالله بن سالم (د. ۲۰۶ هـ) که در بلخ متولد شد و صاحب آثاری به نام‌های *المبتدأ و الفتوح* بوده و دیگری ابویعقوب اسحاق بن بشر بن مقاتل کاهلی (د. ۲۲۸ هـ) که در کوفه زاده شد و در بغداد اقامت گزید (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۲۶/۶-۳۲۷؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۷۱/۸-۱۷۲؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۱۸۴/۱-۱۸۶). مراد متقی هندی از این که اسحاق بن بشر کدام یک از این دو نفر بوده‌اند مشخص نیست؛ اما هر دو از راویان «متروک الحدیث»^{۱۵} و «متهم به کذب» به شمار آمده‌اند (ابوحاتم، ۱۲۷۱: ۲۱۴/۲؛ دارقطنی، ۱۴۰۳: ۲۵۷/۱).

از آنجا که منبع یعقوبی در این روایت مشخص نیست و گزارش آثاری که پس از یعقوبی نگاشته شده، به دلیل راویان آن‌ها ضعیف به شمار می‌آید، به نظر می‌رسد یعقوبی به حکم گرایش شیعی خود روایت را در هواداری از علی (ع) بر ساخته است.

۷.۳ رایزنی عمر با امام علی (ع)

عمر در سال ۱۶ هجری «نامه‌ها را تاریخ نهاد و می‌خواست تاریخ را از میلاد پیامبر خدا بنویسد، سپس گفت: از مبعث. پس علی بن ابی طالب بدو پیشنهاد کرد که تاریخ را از هجرت بنویسد، پس آن را از هجرت نوشت»^{۱۶} (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۴۵/۲).

در منابع اساس این پژوهش، روایات چندانی نیامده است؛ بنا بر بررسی‌ها روایت یعقوبی با دو روایت متشابه طبری^{۱۷} هم‌سو است (طبری، ۱۳۸۷: ۳۸/۴-۳۹). در صورتی که

روایت اول را منبع یعقوبی بدانیم، طبری از ابن ابی سبّره و با واسطه از سعید بن مسیب و در صورتی که روایت دوم طبری را منبعی مستقل تلقی کنیم، طبری از عبدالرحمان بن عبدالله بن عبدالحکم^۸ و با واسطه از سعید بن مسیب نقل کرده که عمر به پیشنهاد علی (ع) مبدأ تاریخ را از هجرت پیامبر قرار داد.

منابع رجالی و کتب تراجم از دو تن از مشاهیر آل ابی سبّره یاد می‌کنند؛ خبثمه بن عبدالرحمان بن ابی سبّره (د. ۸۰ هـ) که منابع شیعی وی را از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شمرده (برقی، ۱۳۴۲: ۱۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۳۳، ۱۹۹) و منابع سنی وی را از اصحاب علی (ع) دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۲۷: ۱۸۶/۵؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۱۷۸-۱۷۹) و دیگری اسماعیل بن عبدالرحمان بن ابی سبّره که از تابعین و از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده است (برقی، ۱۳۴۲: ۱۲؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۱۲۴، ۱۵۹). مراد طبری از این که ابن ابی سبّره کدام یک از این دو نفر بوده‌اند مشخص نیست؛ اما هر دو از راویان شیعی و ثقه به شمار می‌آیند (عجلی کوفی، ۱۴۰۵: ۱/۱۴۵-۱۴۶؛ ابن حبان، ۱۳۹۳: ۲۱۳/۴؛ تقی الدین حلی، بی تا: ۸). انطباق روایت یعقوبی با روایات طبری و عدم روایتی مُعارض با آن‌ها به صحت و قوت گزارش یعقوبی می‌افزاید.

۸.۳ رایزنی عمر با امام علی (ع) در امور مالی

عمر

درباره سواد کوفه با اصحاب رسول خدا مشورت کرد و بعضی از ایشان گفتند: آن را در میان ما بخش کن، سپس با علی مشورت کرد و گفت: «اگر امروز آن را بخش کنی برای کسانی که پس از ما باشند چیزی نخواهد بود، لیکن آن را بدست ایشان می‌سپاری تا در آن کار کنند و برای ما و آیندگان هر دو باشد.» پس عمر گفت: خدایت بر این عقیده توفیق دهد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۵۲/۲-۱۵۱).

در منابع اساس این پژوهش، تنها از بلاذری (۱۹۸۸: ۲۶۱-۲۶۲) دو روایت کمابیش متفاوت در دست است: در روایت نخست به نقل از حسین بن أسود و با واسطه از یزید بن ابی حبيب، عمر با سعد بن ابی وقاص مشورت کرد و او گفت: «اگر آن را میان حاضران تقسیم کنی، برای آنان که پس از ایشان خواهند آمد چیزی نخواهد ماند و در روایت دوم به

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزه و دیگران) ۳۳۵

نقل از حسین بن اسود و با واسطه از حارثه بن مُضَرَّب، عمر با اصحاب رسول خدا مشورت کرد و علی (ع) گفت: «بگذار آن‌ها ماده معاشی برای مسلمانان باشد».

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حسین بن اسود عَجَلی (د. ۲۵۴ هـ) از اتباع تابعین کوفی به شمار آمده که در بغداد اقامت داشت (ابن حَبَّان، ۱۳۹۳: ۱۹۰/۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۶۷/۸) و در باب جایگاه روایی او اقوال متفاوتی در دست است؛ برخی وی را «ثقه» (ابوحاتم: ۱۲۷۱: ۵۶/۳؛ ابن حَبَّان، ۱۳۹۳: ۱۹۰/۸) و برخی به نقل از رجال شناسان وی را «ضعیف» و «سارق الحدیث» دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۶۸/۸؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۵۴۳/۱). به نظر می‌رسد یعقوبی بی توجه به جایگاه روایی او و به حکم گرایش شیعی خود و به منظور پر رنگ جلوه دادن نقش علی (ع)، روایت حاوی نام سعد بن ابی وقاص را نادیده گرفته و به نقل روایت دوم بسنده کرده باشد.

۹.۳ انتخاب خلیفه سوم

درباره انتخاب خلیفه سوم سه روایت در تاریخ یعقوبی آمده است. در روایت نخست به نقل از عبدالله بن عباس گزارشی از گفت و گوی وی با عمر آمده که ضمن آن خلیفه دوم از بی‌لیاقتی عبدالرحمان بن عوف، سعد بن ابی وقاص، طلحه بن عبیدالله، زبیر بن عوام و عثمان بن عفان در امر خلافت سخن گفته و ضمن بیان شایستگی علی (ع) بر امتناع قریش از قبول خلافت او تأکید کرده است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۵۸/۲-۱۵۹). دو روایت بعدی به شورای عمر اختصاص دارد. در یک روایت عمر انتخاب خلیفه را به شورایی مرکب از شش صحابی پیامبر (علی (ع)، عثمان بن عفان، عبدالرحمان بن عوف، زبیر بن عوام، طلحه بن عبیدالله و سعد بن ابی وقاص) تفویض کرد و ابوطلحه بن زید بن سهل را بر این کار گماشت (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۶۰/۲) و در روایتی دیگر گزارشی از شرایط عبدالرحمان بن عوف (پیروی از سیره شیخین) برای خلیفه بعدی و رد آن توسط علی (ع) آمده که فرمود: «همانا با کتاب خدا و روش پیامبرش نیازی به روش هیچ کس نیست»؛ اما عثمان آن را بی درنگ پذیرفت (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۶۲/۲).

بررسی روایات دلالت دارد که یعقوبی احتمالاً به دلیل گرایش شیعی خود روایت اول را به طرفداری از علی (ع) بر ساخته است؛ زیرا گزارشی که وی به نقل از یکی از صحابه آورده، در هیچ یک از منابع اساس این پژوهش نیامده است. طبری (۱۳۸۷: ۲۳۳/۴، ۲۳۸،

(۲۹۹) درباره شورای عمر دو روایت متفاوت به نقل از عمر بن شَبَّه و با واسطه از عمرو بن میمون آورده است. در یک روایت آمده: عمر به ابوطلحه گفت ۵۰ تن از انصار را برگزین و این جمع را وادار کن تا یکی از خودشان را انتخاب کنند و در روایتی دیگر گزارشی از شورای شش نفره عمر و شرایط عبدالرحمان بن عوف برای خلیفه بعدی و رد آن توسط علی (ع) آمده است. یعقوبی روایت دوم طبری را که دلالت آشکاری بر شایستگی علی (ع) در امر خلافت دارد نقل کرده و در هیچ یک از سه روایت خود متعرض مأموریت ابوطلحه در گزینش ۵۰ صحابی برای تعیین خلیفه نشده است.

۱۰.۳ مشاوره عثمان با امام علی (ع) در مسائل فقهی

عثمان دستور داد زنی از قبیله جُهینَه را که پس از شش ماه از ازدواج فرزندى آورده بود، سنگسار کنند. چون او را برای قصاص بیرون بردند، علی (ع) به پیش عثمان آمد و با استشهاد بدین آیه « وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛^{۱۹} و حمل انسان و از شیر گرفتنش سی ماه است» و این آیه درباره شیرخوارگی کودک « حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ؛^{۲۰} دو سال کامل» حکم عثمان را مغایر با قرآن اعلام کرد. عثمان به دنبال زن فرستاد، اما زن سنگسار شده بود، و شوی او هم به مشروعیت فرزندش اعتراف کرد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۴/۲).

در منابع اساس این پژوهش گزارشی از این ماجرا نیامده، با این حال منابع حدیثی و تفسیری از این روایت یاد کرده‌اند. درباره تاریخ این مشاوره فقهی که در زمان کدام یک از خلفا و به مشورت کدام یک از صحابه بوده، اختلاف هست. بیهقی (۱۴۲۴: ۷/۲۲۷) و طبری (۱۴۲۸: ۱/۳۹۳-۳۹۴) این مشاوره فقهی را در زمان عمر و به علی (ع) نسبت داده‌اند و قُرطبی (۱۴۰۵: ۳/۱۶۳) و ابن حجر (۱۴۱۶: ۳/۴۴۰) این مشاوره را در زمان عثمان و به ابن عباس منسوب کرده‌اند. بنا بر بررسی‌ها روایت یعقوبی با روایت مالک بن انس در *المَوْطَأَ هَمَسُو* است. مالک بن انس (۱۴۰۶: ۲/۸۲۵) درباره این مشاوره یک روایت آورده که در زمان عثمان و به مشورت علی (ع) بوده است؛ در خور ذکر است که منابعی که پس از *المَوْطَأَ* نگاشته شده نیز این مشاوره را در زمان عثمان و به علی (ع) نسبت داده‌اند (زرقالی، ۱۴۲۴: ۴/۲۳۳؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۷۹/۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۹/۱).

بررسی‌ها نشان می‌دهد که مالک بن انس بن مالک جمیری *أَصْبَحِي* (د. ۱۷۹هـ) از فقهای بزرگ اهل سنت و از تابعین مدنی به شمار می‌آید که رجال شناسان وی را به اجماع

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزه و دیگران) ۳۳۷

توثیق کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۴۶۵/۵؛ عجللی کوفی، ۱۴۰۵: ۴۱۷/۱؛ ابوحاتم، ۱۲۷۱: ۳۰/۱). به احتمال قریب به یقین یعقوبی با اعتماد به وثاقت مالک و هم‌سویی روایت او با گرایش شیعی خود، این روایت را به دیگر روایات افزوده تا نقش علی (ع) در دوره خلفا بیش از پیش نمایان شود.

۱۱.۳ امام علی (ع) و معترضان عثمان

در تاریخ یعقوبی دو روایت درباره واکنش علی (ع) به فرمان عثمان در قبال معترضان وی نقل شده، در روایت نخست آمده که چون مروان بن حکم به فرمان عثمان ابوذری و خانواده‌اش را از مدینه بیرون می‌برد، جماعتی از اصحاب پیامبر (علی (ع)، حسنین (ع)، عبدالله بن جعفر و عمار بن یاسر) برای مشایعت با او بیرون آمدند

و چون ابوذری علی را دید پیش رفت و دست او را بوسیده سپس گریست و گفت: من هرگاه تو را و فرزندان را می‌بینم، گفتار پیامبر خدا را بیاد می‌آورم، و شکیبایی ندارم تا گریه کنم. پس علی رفت که با او سخن گوید. لیکن مروان گفت: امیر مؤمنان نهی کرده است که کسی با او سخن گوید. پس علی تازیانه را بلند کرد و بر روی شتر مروان نواخت و گفت: دور شو خدایت با آتش کشاند.^{۲۱} سپس او را بدرقه کرد و ... (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۲/۲)

و در ادامه همین روایت آمده که چون خبر

وفات ابوذری به عثمان رسید، گفت: خدا ابوذری را رحمت کند. عمار گفت، آری از صمیم قلب خدا ابوذری را رحمت کند. این سخن بر عثمان دشوار آمد و از عمار سخنی بگوش عثمان رسید و خواست او را نیز تبعید کند. پس بنی مخزوم نزد علی بن ابیطالب فراهم آمدند و از او کومک خواستند، علی گفت: "عثمان را با تصمیمش نمی‌گذاریم."^{۲۲} پس عمار در خانه‌اش نشست و سخنان بنومخزوم به عثمان رسید و از او صرف‌نظر کرد (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۷۳/۲).

در منابع اساس این پژوهش، درباره موضع عثمان در قبال ابوذری و عمار و واکنش علی (ع) نسبت به فرمان وی اختلاف هست. ابن قتیبه (۱۴۱۰: ۵۰/۱-۵۱) و ابن اعثم (۱۴۱۱: ۳۷۳/۲، ۳۷۶) گفته‌اند: عثمان دستور داد عمار را کتک بزنند به طوری که از شدت ضرب و شتم بی‌هوش شد. در این دو روایت از تبعید ابوذری و عمار و واکنش علی (ع) سخنی

نیست؛ افزون بر این، به گزارش ابن اعثم ماجرای تبعید ابوذر به رَبدَه پس از مخالفت عمار و ضرب و شتم وی بوده در حالی که در روایت یعقوبی عکس آن گزارش شده است. بنا بر بررسی‌ها روایات یعقوبی با روایات بلاذری هم‌سو است. بلاذری (۱۹۷۴: ۵/۵۴۴) در دو روایت به نقل از بکر بن هیثم و با واسطه از قَتاده، از تبعید ابوذر و عمار و واکنش علی (ع) یاد کرده است؛ اما از عبارت‌های « دور شو خدایت به آتش کشاند» و « عثمان را با تصمیمش نمی‌گذاریم» در نکوهش عثمان از سوی علی (ع) سخن نگفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بکر بن هیثم از مشایخ ناشناخته بلاذری به شمار می‌آید.

از آن‌جا که منبع یعقوبی در این روایات مشخص نیست و گزارش بلاذری به جهت ناشناس بودنِ راوی او ضعیف است، به نظر می‌رسد این روایت ساختگی بوده و یعقوبی به حکم گرایش شیعی خود و به منظور نشان دادن مخالفت علی (ع) در قبال عثمان قصد گزارش این روایات ضعیف را داشته است.

۴. نتیجه‌گیری

از مباحثی که در این پژوهش بازتاب یافته، به نتایج ذیل دست می‌یابیم:

۱. یعقوبی موضوعات مربوط به نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر (ص) و خلفای نخستین را در ۱۱ موضوع و در قالب ۲۰ روایت گزارش کرده که تنها در یک روایت (روایت نخست در انتخاب خلیفه سوم) به منبع خود به طور مستقیم اشاره کرده است و از مقابله گزارش‌های یعقوبی در خصوص نقش سیاسی علی (ع) مشخص می‌شود که در منابع اساس این پژوهش روایات چندانی در دست نیست.

۲. با بررسی دیگر منابع و نوزده تن از منابع او (روح بن عباد، محمد بن بکر بُرسانی، عمر بن شَبّه، مدائنی، و...) آشکار می‌شود که ابونُعیم فضل بن دُکین (د. ۲۱۹ هـ) گرایش‌های شیعی داشته و سُلیم بن قیس هلالی (د. ۷۶ هـ)، خیشمه بن عبدالرحمان بن ابی سَبْرَه (د. ۸۰ هـ) و اسماعیل بن عبدالرحمان بن ابی سَبْرَه از راویان شیعی به شمار می‌آیند.

۳. امام باقر (ع. د. بین ۱۱۴-۱۱۸ هـ) از مشایخ باواسطه یعقوبی بیشترین مقدار روایات را به خود اختصاص داده است.

۴. یعقوبی در ماجرای حجه الوداع و غدیر خم به منظور اعتبار مطالب خود افزون بر امام باقر (ع) و امام صادق (ع)، از منابع دست اول (عبدالله بن عباس، ابوسعید خدری، سعد بن ابی وقاص، براء بن عازب، ...) نیز روایت کرده است.

۵. به رغم آن که یعقوبی در هواداری از شیعه و در جهت اثبات خلافت علی (ع) به موضوع جانشینی وی در مدینه در غزوه تبوک تأکید دارد؛ اما از بیان حدیث منزلت غفلت کرده و یا از روایات او حذف شده است.

۶. روایات یعقوبی در باب جانشینی علی (ع) در مدینه در غزوه تبوک، تصدی علی (ع) در جمع آوری زکات و جزیه از نجرانی‌ها، حجه الوداع و واقعه غدیر، استنکاف از بیعت با ابوبکر (جز یک روایت)، رایزنی عمر با علی (ع) در تعیین مبدأ تاریخ، رایزنی عمر با علی (ع) در امور مالی، انتخاب خلیفه سوم (جز دو روایت) و مشاوره عثمان با علی (ع) در مسائل فقهی هم‌سو با سایر منابع و معتبر است؛ با این تفاوت که یعقوبی به حکم گرایش شیعی خود و به منظور پر رنگ جلوه دادن نقش علی (ع) بخش‌های مطلوب خود را از روایات برگزیده و نقل کرده است.

۷. روایات یعقوبی در باب فهرستی که وی از متخلفان بیعت با ابوبکر ارائه داده، نافرمانی علی (ع) در ماجرای رده، رایزنی ابوبکر با علی (ع) در لشکرکشی به شام، روایات دال بر شایستگی علی (ع) در انتخاب خلیفه سوم و واکنش علی (ع) به فرمان عثمان در قبال معترضان وی، به دلایل ناشناس بودن منبع او، مغایرت با سایر منابع و ضعف راویان، ساختگی و فاقد اعتبار است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از روایات متفاوت و متناقض در باب تاریخ وفات یعقوبی نک: یعقوبی، ۱۹۶۲: ۲؛ یعقوبی، ۱۴۰۸: ۸۰؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۳: ۵۵۷/۲؛ زیدان، ۱۹۷۵: ۲۰۱/۲؛ امین عاملی، ۱۴۰۳: ۲۰۱/۳؛ مصطفی، ۱۹۸۳: ۲۴۹/۱.
۲. حدیث مُعَنَّ حَديثی است که در سند آن گفته شود: فلان عن فلان عن فلان؛ بدون این که به سماع یا تحدیث یا اخبار درباره روایت اشخاص معروفی که یاد شده‌اند، تصریح شده باشد (العاملی، بی تا: ۱۰۰/۱).

۳. جز ابان بن عثمان احمر شیعی که از سیره نگاران کوفی و از موالی قبیله بجیل به شمار است (طوسی، بی تا: ۱۸)، شخص دیگری با نام ابان بن عثمان بن عفان در حدیث و خبر هست که از فقهای مدینه، تابعی و فرزند خلیفه سوم بوده و در جنگ جمل به همراه عایشه حضور داشته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۱۱۵/۵). این تشابه اسمی سبب شده تا برخی از جمله سزگین (۱۴۱۱: ۷۰/۱) و الدوری (۲۰۰۵: ۲۴) به خطا پسر عثمان بن عفان را به جای ابان الاحمر قرار دهند؛ این در حالی است که یعقوبی تصریح می‌کند او راوی اخبار امام صادق (ع) است (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۶/۲). مشخص است که سن و سال ابان پسر خلیفه سوم (د. بین ۱۰۱-۱۰۵ هـ) در این حد نبوده که بتواند راوی اخبار امام صادق ع (د. ۱۴۸ هـ) باشد.

۴. جز ابومعشر نجیح که از سیره نگاران مدنی، نسب شناس و از موالی قبیله بنی مخزوم است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۳۰/۱۳)، شخص دیگری با نام ابومعشر نجیح هست که منجم بوده و در آثار تاریخی چون مروج الذهب از او نقل می‌شود (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲/۲۵۲).

۵. بر مبنای این حدیث آن‌گاه که پیامبر علی (ع) را به هنگام عزیمت به غزوه تبوک به عنوان جانشین خود در مدینه باقی گذاشت، عده‌ای از منافقان چنین شایع کردند که محمد (ص) ناخوش داشت علی (ع) را با خود ببرد. چون شایعات زیاد شد علی (ع) به نزد پیامبر آمد و از او خواست تا او را نیز با خود ببرد. پیامبر ضمن دستور به بازگشت او به شهر خطاب به وی فرمود: «ای علی! آیا راضی نیستی که جایگاه تو نسبت به من همچون جایگاه هارون نسبت به موسی باشد؛ جز آن‌که پس از من پیامبری نخواهد بود» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳۰۰/۲؛ ترمذی، ۱۳۹۵: ۶۳۸/۵).

۶. ابونعیم فضل بن ذکین قرشی معروف به مثنائی (د. ۲۱۹ هـ) از تابعین کوفی است که گرایش شیعی داشته و از ثقات به شمار است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۶۸/۶؛ ذهبی، ۱۳۸۲: ۳۵۰/۳؛ ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۶۲۴/۱).

۷. ابو محمد روح بن عباده قیسی (د. ۲۰۵ هـ) از تابعین بصری است که در باب وثاقت وی اقوال متفاوتی آمده است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۱۷/۷؛ عجللی کوفی، ۱۴۰۵: ۳۶۵/۱؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۴۰۱/۸-۴۰۳).

۸. مانده ۳.

۹. محمد بن بکر بن عثمان بُرسانی (د. ۲۰۳ هـ) از تابعین بصری و از ثقات به شمار است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۱۶/۷؛ ابن حجر، ۱۳۲۵: ۷۷/۹).

۱۰. مدرسی این روایت را ساخته اهل حدیث برای توجیه عدم حضور علی (ع) در سقیفه و نارضایتی او از خلافت ابوبکر دانسته است (Modarresi, 1993: 17).

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزء و دیگران) ۳۴۱

۱۱. عمر بن شَبَّه معروف به نُمَیری (د. ۲۶۲هـ) ادیب، شاعر و محدث بصری است. وی را از جمله ثقات دانسته‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۲۰۸/۱۱-۲۰۹؛ ذهبی، ۱۴۲۷: ۶۷/۱۰).
۱۲. ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابی سیف معروف به مدائنی (د. ۲۲۵هـ) از اخباریان مشهور و از ثقات به شمار است (ابن قتیبه، ۱۹۹۲: ۵۳۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۵۵/۱۲).
۱۳. إِنْ فَعَلْتَ ظَفَرْتَ: اگر دست به این کار زنی، ظفر یابی (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۳۳/۲).
۱۴. بَشَّرْتَ بِخَيْرٍ: نوید به خیر دادی (یعقوبی، ۱۳۷۹: ۱۳۳/۲).
۱۵. به روایانی اطلاق می‌شود که به دروغگویی و جعل حدیث متهم شده و یا به سبب دیگری جرح شده‌اند (ابن الصلاح، ۱۴۲۳: ۲۴۶؛ ابوشهبه، بی تا: ۴۱۲).
۱۶. در این مورد و در مواردی خاص از ترجمه محمد ابراهیم آیتی در داخل گیومه استفاده شده است.
۱۷. نک به این دو روایت طبری: « حَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي سُرَيْهٍ عَنْ عِثْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنِ ابْنِ الْمَسِيْبِ قَالَ: أَوَّلُ مَنْ كَتَبَ التَّارِيخَ عُمَرُ لِسَنَتَيْنِ وَ نِصْفٍ مِنْ خِلَافَتِهِ، فَكَتَبَ لِسِتِّ عَشْرَةَ مِنْ الْهَجْرَةِ بِمَشْوَرَةٍ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ » (طبری، ۱۳۸۷: ۳۸/۴).
- حَدَّثَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَكَمِ قَالَ: حَدَّثَنَا نُعَيْمُ بْنُ حَمَادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الدَّرَاوَرْدِيُّ عَنْ عِثْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ، قَالَ سَمِعْتُ سَعِيدَ بْنَ الْمَسِيْبِ يَقُولُ: جَمَعَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ النَّاسَ، فَسَأَلَهُمْ مِنْ أَيِّ يَوْمٍ نَكْتَبُ؟ فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي هَاجِرٍ رَسُولَ اللَّهِ ص وَ تَرَكَ أَرْضَ الشَّرْكِ فَفَعَلَهُ عُمَرُ (طبری، ۱۳۸۷: ۳۹/۴).
۱۸. عبدالرحمان بن عبدالله بن عبدالحکم (د. ۲۵۷هـ) چهره برجسته خاندان ابن عبدالحکم، محدث، مورخ و فقیه مصری و از ثقات به شمار است (کناله، ۱۳۷۶: ۱۵۰/۵؛ ابوحاتم، ۱۲۷۱: ۲۵۷/۵).
۱۹. احقاف/۱۵.
۲۰. بقره/۲۳۳.
۲۱. تَتَحَّى نَحَاكَ اللَّهُ إِلَى النَّارِ.
۲۲. لَا نَدْعُ عِثْمَانَ وَ رَأْيَهُ.

کتابنامه

قرآن کریم

٣٤٢ پژوهش نامه علوی، سال ١٣، شماره ١، بهار و تابستان ١٤٠١

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه الله (١٤٠٤). شرح نهج البلاغه، ج ١، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین شیبانی جزری (١٣٨٥). الکامل، ج ٢، بیروت: دارصادر.
ابن اعثم، ابو محمد کوفی (١٤١١). الفتوح، ج ١، ٢، تحقیق علی شیری، طبعه الاولى، بیروت: دارالاضواء.

ابن حبان، ابو حاتم بُستی (١٣٩٣). الثقات، ج ٤، ٨، حیدرآباد دکن: دایره المعارف العثمانیه.
ابن حجر، احمد بن علی عسقلانی (١٣٢٥). تهذیب التهذیب، ج ٥، ٩، بیروت: دارصادر.
----- (١٤١٦). التلخیص الحُبیر فی تخریج احادیث الرافعی الکبیر، مصر: مؤسسه قرطبه.

----- (١٣٩٠). لسان المیزان، محقق دائره المعارف النظامیه_ هند، الطبعه الثانيه، ج ٥، بیروت_ لبنان: مؤسسه العلمی.

ابن سعد، محمد (١٤١٠). الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، ج ٢، ٣، ٥، ٦، ٧، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب (١٣٧٩). تحقیق و تصحیح محمد حسین آشتیانی و هاشم رسولی، ج ٢، ٣، قم: علامه.

ابن الصلاح، عثمان بن عبدالرحمان (١٤٢٣). معرفه انواع علوم الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله (١٤١٢). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، ج ٣، بیروت: دارالجيل.

ابن قُتیبه، ابو محمد عبدالله بن مسلم دینوری (١٤١٠). الامامه و السياسه، تحقیق علی شیری، ج ١، بیروت: دارالاضواء.

----- (١٩٩٢). المعارف، تحقیق ثروت عکاشه، بیروت: الهيئه المصريه العامه الكتاب.

ابن قدامه، موفق الدین ابی محمد عبدالله بن احمد مقدسی دمشقی (١٣٨٨). المغنی، ج ٩، قاهره: مکتبه القاهره.

ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر (١٤٠٧). البدايه و النهايه، ج ٦، بیروت: دارالفکر.
ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن یزید قزوینی (١٤٣٠). سنن ابن ماجه، تحقیق شعيب الأرنؤوط، عادل مرشد، محمد کامل قره بللی و عبداللطيف حرز الله، ج ١، دارالرساله العالمیه.

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزء و دیگران) ۳۴۳

ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی انصاری (۱۴۰۲). مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر، محقق روحیه النحاس، ریاض عبدالحمید مراد، محمد مطیع، ج ۱۱، الطبعة الاولى، دمشق_سوریا: دارالفکر.

ابن هشام، عبدالملک حمیری (بی تا). السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقاء ابراهیم الایاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۲، بیروت: دارالمعرفه.

امین عاملی، محسن (۱۴۰۳). اعیان الشیعه، ج ۳، بیروت: دارالتعارف.

ابوحاتم، حنظلی رازی (۱۲۷۱). الجرح والتعديل، ج ۱، ۲، ۳، ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ابوشهبه، محمد بن سؤیلم (بی تا). الوسیط فی علوم و مصطلح الحدیث، دارالفکر العربی.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲). الرجال، تهران: دانشگاه تهران.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۷۴م) أنساب الأشراف، تحقیق محمد باقر محمودی، ج ۱، ۲، ۵، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

----- (۱۹۸۸). فتوح البلدان، بیروت: مکتبه الهلال.

بیات، علی، دهقان پور، زهره (۱۳۹۰). «بررسی تاریخ نگاری یعقوبی به لحاظ منابع»، پژوهش نامه تاریخ تمدن اسلامی، ش ۲، پاییز و زمستان، ۹-۳۰.

بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۴). السنن الکبری، ج ۷، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵). سنن الترمذی، تحقیق و تعلیق احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوه، ج ۵، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی.

تقی الدین حلّی، حسن بن علی بن داوود (۱۳۴۲). الرجال، تهران: دانشگاه تهران.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۱۳). یتیمه الأهر فی محاسن اهل العصر، تحقیق مفید محمد قمحیه، ج ۳، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه.

جعفریان، رسول (۱۳۸۶). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ج ۴، تهران: علم.

جوهری، ابوبکر احمد بن عبدالعزیز (بی تا). السقیفه و الفلک، روایة عزالدین عبدالحمید ابی الحدید المعتزلی، مقدمه و تحقیق محمد هادی امینی، ج ۱، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه.

خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، ج ۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲، بیروت: دارالکتب العلمیه.

خلیفی، شیخ احمد (۲۰۰۱م). «الیعقوبی العصر الاموی فی کتابه تاریخ الیعقوبی»، مرکز الوثائق و الدراسات الانسانیه، ش ۱۳، ۲۴۶-۲۰۷.

دارقطنی، ابوالحسن علی بن دینار بغدادی (۱۴۰۳). الضعفاء والمتروکون، تحقیق عبدالرحیم محمد القشقری، ج ۱، مدینه: مجله الجامعة الاسلامیه.

الدوری، عبدالعزیز (٢٠٠٥م). نشأة علم التاريخ عند العرب، بیروت: مرکز دراسات الوحدة العربیه. ذهبی، شمس الدین (١٣٨٢). میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق علی محمد البجاوی، ج ١، ٣، بیروت: دارالمعرفه.

----- (١٤٢٧). سیر اعلام النبلاء، ج ٥، ٨، ١٠، قاهر: دارالحديث.

زرقالی، محمد بن عبدالباقی بن یوسف (١٤٢٤). شرح الزرقالی علی موطأ الامام مالک، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، ج ٤، قاهره: مكتبة الثقافة الدينية. زرکلی، خیرالدین (١٩٨٩م). الاعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال والنساء من العرب والمستعربین والمستشرقین)، ج ١، بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین.

زیدان، جرجی (١٩٧٥م). تاریخ التمدن الاسلامی، ج ٢، بیروت: دار مكتبة الحياة.

سجادی، صادق و عالم زاده، هادی (١٣٨٢). تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت.

سزگین، فؤاد (١٤١١). تاریخ التراث العربی، ترجمه محمود فهمی حجازی، تصحیح عرفه مصطفی و سعید عبدالرحیم، ج ١، اداره الثقافة و النشر بالجامعه.

صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بابویه قمی (١٣٩٥). کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، ج ١، تهران: الاسلامیه.

----- (بی تا). الأمالی، تحقیق مؤسسه الدراسات

الاسلامیه، ج ١، مؤسسه البعثة.

طبری، محب الدین (١٤٢٨). ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ج ١، قم: مؤسسه دارالکتاب الاسلامی.

طبری، محمد بن جریر (١٣٨٧). تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ٣، ٤، بیروت: دارالتراث.

طوسی، محمد بن حسن (بی تا). فهرست کتب الشیعه و اسماء المصنّفین و اصحاب الاصول، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم: مكتبة المحقق الطباطبائي.

----- (١٤١٤). الأمالی، تحقیق و تصحیح مؤسسه البعثة، ج ١، قم: دارالثقافة.

عاصی، حسین (١٩٩٢م). الیعقوبی، عصره، سیره حیاتیه، منهجه تاریخی، بیروت: دارالکتب العلمیه. العاملی، حسن بن عبدالصمد (بی تا). وصول الاخبار الی اصول الاخبار، تحقیق سید عبداللطیف کوهکمری، مجمع الذخائر الاسلامیه، مطبعه النخيام.

عجلی کوفی، ابوالحسن احمد بن عبدالله (١٤٠٥). تاریخ التفات، ج ١، الطبعة الاولى.

علامه امینی، عبدالحسین احمد (بی تا). العادیر فی کتاب و السننه و الادب، ج ١، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

نقش سیاسی امام علی (ع) در عصر پیامبر ... (سمیه امین رعیا جزء و دیگران) ۳۴۵

علی بیگی، حسین، بهرامی، روح الله، یوسفی، شهرام (۱۴۰۰). «موقعیت اجتماعی اهل ذمه در حکومت علی ع (۳۵-۴۰ هـ)»، دو فصلنامه پژوهش نامه علوی، ش ۲۳، بهار و تابستان، ۱۹۳-۱۷۳.

علی الجعفری، یاسین ابراهیم (۱۹۸۰م). *اليعقوبی، المؤرخ و الجغرافی، الرشید. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۱، تهران: مکتبه العلمیه.*

فیروزآبادی، مرتضی (۱۴۲۴). *فضائل الخمسه من الصحاح الستة*، ج ۱، منشورات فیروزآبادی. قرطبی، شمس الدین (۱۴۰۵). *تفسیر القرطبی*، تحقیق ابواسحاق ابراهیم اطفیش، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴) *تفسیر القمی*، تحقیق و تصحیح طیب موسوی جزائری، ج ۱، قم: دارالکتاب.

کخاله، عمرضا (۱۳۷۶). *معجم المؤلفین*، ج ۵، ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی. کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ (۱۳۷۹). *تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج ۲، ۷، ۱۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مالک بن انس، مالک بن عامر الاصبیحی المدنی (۱۴۰۶). *الموطأ*، تصحیح محمد فؤاد عبدالباقی، ج ۲، بیروت.

متقی هندی، علی بن حسام الدین برهانپوری (۱۴۰۱). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقا، ج ۵، بیروت: مؤسسه الرساله.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الانوار*، تحقیق سید ابراهیم المیانجی و محمد باقر البهبودی، ج ۳۷، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مرتضی عاملی، جعفر (۱۴۲۶). *الصحیح من سیره النبی الاعظم*، ج ۲۹، ۳۳، دارالحديث. مسعودی، علی بن الحسین (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، ج ۲، قم: دارالهجره.

مصطفی، شاکر (۱۹۸۳م). *التاریخ العربی و المؤرخون*، ج ۱، بیروت: دارالعلم للملایین. میری، وجیهه، ناظمیان فرد، علی، وکیلی، هادی (۱۳۹۴). «ماهیت رفتار سران جمل در ماجرای سقوط بصره»، دو فصلنامه پژوهش نامه علوی، ش ۱۲، پاییز و زمستان، ۱۵۷-۱۷۸.

٣٤٦ پژوهش نامه علوی، سال ١٣، شماره ١، بهار و تابستان ١٤٠١

ناظمیان فرد، علی (١٣٩٦). « واکنش امام علی (ع) به منطق قبیله ای سقیفه»، دو فصلنامه پژوهش نامه علوی، ش ١٥، بهار و تابستان، ٩٧-١١٢.

ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). *المهرست*، بیروت: دارالمعرفه.

واحدی نیسابوری، ابوالحسن علی بن احمد (١٤١١). *اسباب نزول القرآن*، تحقیق کمال بسیونی زغلول، ج ٣، بیروت: دارالکتب العلمیه.

واقدی، محمد بن عمر (١٤٠٩). *المغازی*، تحقیق مارسدن جونز، ج ٣، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

----- (١٤١٠). *الردّة مع نبأه من فتوح العراق و ذکر المثنی بن الحارثه الشیبانی*، تحقیق یحیی بن الحبور، بیروت: دارالغرب الاسلامی.

یاقوت حموی، شهاب الدین (١٩٩٣م). *معجم الأدباء*، تحقیق احسان عباس، ج ٢، بیروت: دارالکتب الحدید.

یعقوبی، احمد بن اسحاق (١٣٧٩). *تاریخ یعقوبی*، ج ٢، بیروت: دارصادر.

----- (١٩٦٢م). *مشاکله الناس لزمانهم*، تحقیق ویلیام ملورد، بیروت: دارالکتب الحدید.

----- (١٤٠٨). *البلدان*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Berg, Herbert (2003). *Method and Theory in The Study of Islamic Origins*, leiden: Boston.

El-Hibri, Tayeb (2010). *Parable and Politic in Early Islamic History: The Rashidun Caliphs*, Newyork, Columbia University Press.

Humphreys, R.Stephen (1986). "TA'RIKH", *Encyclopedia of Islam*, second edition, Brill, Leiden, pp.271-280.

Modarressi, Hossein (1993). " Early Debates on the Integrity the Quran: A Brief survey", *Studia Ilamic*, No. 77,pp. 5-39.

Zaman, Muhammad Qasim (1986). "AL-YA'KUBI", *Encyclopedia of Islam*, second edition, Brill, Leiden, pp.257-258.